

نقش توانایی مدیران در مدیریت ناکارآمد تأثیر اطلاعات حسابداری

آذر خدابنده^۱ و کیومرث بیگلر^۲

^۱دانشجوی دکتری حسابداری، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران،

Azar.khodabande@gmail.com

^۲استادیار، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران، Kumars.biglar@gmail.com

چکیده - افشای اطلاعات شرکتها همواره به صورت کامل و بی طرفانه در اختیار استفاده کنندگان قرار نمی‌گیرد و در بعد افشای اختیاری، مدیران بر اساس اقتضاء محیطی و انگیزه های مدیریت این اطلاعات را حذف، پنهان، غیر شفاف ارائه می کنند. این گونه فعالیت‌ها را "مدیریت تأثیر اطلاعات" می نامند. هدف از "مدیریت تأثیر اطلاعات" ایجاد استنباطی در مخاطب است که وجهه مثبت تری از مدیریت را نشان می‌دهد و اگر واقعیت‌ها به وضوح گزارش داده می‌شود، برداشت‌های مخاطبان مطلوبیت کمتری می‌داشت. هدف این پژوهش بررسی نقش توانایی مدیران بر مدیریت تأثیر اطلاعات حسابداری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میباشد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از بعد روش شناسی از نوع پژوهش های توصیفی- همبستگی است. بدین منظور داده های مورد نیاز از 79 شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران، در طی دوره زمانی 1392 تا 1396 جمع آوری گردیده است. نتایج پژوهش حاکی است، که توانایی مدیریت با مدیریت ناکارآمد تأثیر اطلاعات رابطه مثبت و معناداری دارد. بنابراین، توانایی مدیریت، مدیریت تأثیر غیر شفاف را فراهم مینماید زیرا که مدیران انگیزه نمایندگی دارند و ناکارآمدی در تأثیر بوجود می‌آورد که در اینصورت شرکت های توانا نیازی به غیر شفاف کردن گزارشات خود ندارند.

کلید واژه- اطلاعات حسابداری، توانایی مدیریت، مدیریت تأثیر، مدیریت ناکارآمد تأثیر اطلاعات.

مدیران حرفه ای واگذاری می شود که لزوماً سهام زیادی را در تملک ندارند. همچنین همه سهامداران نیز به نسبت یکسان سهام ندارند. در نتیجه مدیرانی باید این وظیفه را بر عهده بگیرند که دارای توانایی و مهارت کافی در زمینه اداره واحد تجاری باشند (رضایی و طاهرخانی، 1395).

معیار توانایی مدیریت، بخشی از کارایی شرکت است که تحت تأثیر عوامل ذاتی شرکت قرار نمی‌گیرد (بزرگ اصل و صالح زاده، 1393). مدیران دارای توانایی ذاتی بیشتر، قدرت درک و تحلیل بیشتری شرایط حال و آینده شرکت و صنعت دارند و در نتیجه، تخمین های آنها از کیفیت بالاتری برخوردار خواهد بود. مدیران با توانایی بالا به سرعت شناخت کافی از شرکت و صنعت کسب می

1- مقدمه

ساده ترین و رایج ترین شکل واحدهای تجاری حالت تک مالکیتی است یعنی اینکه آن تجارت توسط یک نفر کنترل می شود و یک نفر صاحب آن است که آن را مالک می‌نامند. بشر، شرکتهای را به خاطر کاهش هزینه ها و دفعات معاملات قالبی مناسب برای انجام فعالیت های اقتصادی یافت. برای انجام فعالیت‌های بزرگ، شرکت های سهامی را تأسیس کرد. شرکتهای دارای چندین مالک شدند. چون همه مالکان توانایی اداره شرکتهای را نداشتند، بحث تفکیک مالکیت از مدیریت پیش آمد. در این شرکتهای سرمایه های خرد برای انجام کارهای بزرگ تجهیز می شود. اداره این شرکتهای به